

بدهت تصورات حسی نزد دانشمندان مسلمان

احد فرامرز قراملکی

چکیده:

واژه «بدهت» در عرف و در دانش منطق به صورت مشترک لفظی به دو معنای متفاوت به کار می رود؛ در عرف به معنای نسبی روشن و مانوس استعمال می شود و لی در اصطلاح منطق مفهومی نفسی دارد و به معنای ادراک غیر مسبوق به ادراکات پیشین و غیر مأخوذ از آنها به کار می رود. در بحث از بدهت تصورات حسی، مفهوم دوم به کار می رود. بدهت تصورات حسی توسط فخر رازی به صورت مسأله منطقی تدوین شد و نزد دانشمندان متأخر مورد بحث قرار گرفت. وی با ارائه دو قاعده کاربردی در تمایز مفاهیم نظری و بدیهی، مسأله بدهت تصورات حسی و وجدانی را مطرح کرد. او را در این نوآوری دلایلی است و عواملی. مسبوقیت تصدیق اولی بر تصورات اولی عمده ترین دلیل اوست و مهمترین انگیزه اش انکار تصورات نظری و بدیهی انگاری همه تصورات حاصل برای انسان است. اگر چه منطق دانان مسلمان با بدیهی انگاری همه تصورات حاصل برای انسان است. اگر چه منطق دانان مسلمان با بدیهی انگاشتن تصورات هم رأی وی نیستند؛ بسیاری از آنان از جمله خواجه طوسی و میر سید شریف جرجانی در بدیهی انگاری تصورات حسی با وی همداستان شده اند. از سوی دیگر کسانی که ملاک بدهت تصورات را بساطت مفهومی می دانند، تصورات حسی را بدیهی نمی پندارند. نظریه بدهت تصورات حسی علاوه بر رخنه های عمده، اساساً بر در آمیختن دو مفهوم عرفی و اصطلاحی بدهت مبتنی است.

کلمات کلیدی: بدهت، مفاهیم حسی، فخر رازی، تصور و تصدیق، بساطت مفهومی